



چالشهای قراردادهای نفتی از منظر حقوقی

علی زارعی^۱

شرکت مهندسی و خدمات حفاری سروک کیش

Zarei@SARVAKK.COM

چکیده

قراردادهای نفتی در ایران در طول تاریخ صنعت نفت همواره موضوع مناقشات فراوانی بوده‌اند. در کنار تربیت نشدن کارشناسان حقوقی متخصص در قراردادها و حقوق نفت در طول ۱۰۰ ساله تاریخ صنعت نفت ایران که در بسیاری موارد تضییع حقوق و منافع ملی ایرانیان را در پی داشته است، نوع قراردادها و آثاری که بر مخازن نفتی و منافع ملی حاصل از نفت داشته‌اند همواره مورد مذاقه کارشناسان و فعالان صنعت نفت قرار گرفته است. اهمیت این موضوع از آنجا روشن می‌شود که استفاده از بعضی انواع قرارداد که به مشارکت در تولید مشهور است و تقریباً در همه نقاط جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد به دلیل مغایرت با منافع ملی در قانون اساسی ایران ممنوع اعلام شده است. فلذا در راستای اصلاح وضعیت موجود می‌باید با بررسی انواع قراردادهای نفتی در صنعت نفت ایران و جهان و تاریخ توسعه میدان نفت و گاز ایران بر اساس این قراردادها، بررسی محیط حقوقی قراردادهای نفتی و نتیجه‌گیری در باره الزامات توسعه بخش نفت و گاز ایران با رویکرد موارد حقوقی پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: قرارداد مشارکت، قرارداد خدمات پیمانکاری، قرارداد بیع متقابل، دیوان سالاری، تولید صیانتی

^۱ کارشناس ارشد حقوق محیط زیست، مدیر امور حقوقی و قراردادها
مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی مهندسی مخازن هیدروکربوری و صنایع بالادستی
تهران، ۲۹ خرداد ماه ۱۳۹۳ مجری: هم اندیشان انرژی کیمیا
www.Reservoir.ir تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۶۷۱۶۷۶



۱- مقدمه

قراردادهای نفتی در ایران در طول تاریخ صنعت نفت همواره موضوع مناقشات فراوانی بوده‌اند. در کنار تربیت نشدن کارشناسان حقوقی متخصص در قراردادها و حقوق نفت در طول ۱۰۰ ساله تاریخ صنعت نفت ایران که در بسیاری موارد تضییع حقوق و منافع ملی ایرانیان را در پی داشته است، نوع قراردادها و آثاری که بر مخازن نفتی و منافع ملی حاصل از نفت داشته‌اند همواره مورد مذاکره کارشناسان و فعالان صنعت نفت قرار گرفته است. اهمیت این موضوع از آنجا روشن می‌شود که استفاده از بعضی انواع قرارداد که به مشارکت در تولید مشهور است و تقریباً در همه نقاط جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد به دلیل مغایرت با منافع ملی در قانون اساسی ایران ممنوع اعلام شده است. [۱۲] در همین راستا تحقیقات و مطالعات فراوانی در سالهای اخیر صورت گرفته است که به بررسی محیط حقوقی قراردادهای نفتی و نتیجه گیری در باره الزامات توسعه بخش نفت و گاز ایران با رویکرد موارد حقوقی پرداخته شده و بعضاً معتقد می‌باشند: "کهنگی اساسنامه صنعت نفت و عدم تصویب قوانین جامع و پیشرو و برخوردارنبودن واحدهای تابعه صنعت نفت از نظام‌های قانونمند مستقل مالی و مدیریتی و تمرکز شدید در این صنعت و عدم شفافیت در اطلاع رسانی در خصوص چگونگی انعقاد قراردادهای نفت، گاز، پتروشیمی یکی از مهمترین چالشهای فراروی صنعت نفت ایران است." فلذا در راستای اصلاح وضعیت موجود می‌باید با بررسی انواع قراردادهای نفتی در صنعت نفت ایران و جهان و تاریخ توسعه میادین نفت و گاز ایران بر اساس این قراردادها، بررسی محیط حقوقی قراردادهای نفتی و نتیجه گیری در باره الزامات توسعه بخش نفت و گاز ایران با رویکرد موارد حقوقی پرداخته شود.

با وجود اینکه بعضی اطلاعات موجود در این بخش قدیمی بوده و در طول زمان تکمیل شده‌اند اما محتوای آنها کمک زیادی به فهم نحوه مدیریت مخازن و بستن قراردادهای نفتی در طول عمر صنعت نفت می‌نماید. با توجه به جایگاه ویژه صنعت نفت در قانون برنامه پنجم توسعه و از آنجایی که سال ۱۳۹۳ به نام "اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی" نامگذاری شده و نگرش به ضرورت توسعه بنیادی رشته‌های حقوق و قراردادهای نفت و گاز در دانشگاه‌های ایران بر پایه رهنمودهای مقام معظم رهبری، انجام پژوهش‌هایی که در برگزیده ابعاد گوناگون صنعت نفت باشد، ضرورتی گریز ناپذیر است.

۲- بررسی قرارداد های نفتی

بررسی محیط حقوقی صنعت نفت ایران مستلزم شناخت و کاوش در مفهوم و مصادیق قراردادهای نفتی است. مقصود از قراردادهای نفتی قراردادهایی است که دولت ایران و یا شرکت ملی نفت ایران با هر یک از شرکتهای خارجی به منظور اجرای هر کدام و یا تمامی عملیات زیر منعقد نموده است:

۱. اکتشاف از طریق زمین شناسی _ ژئو فیزیکی و طرق دیگر به منظور تعیین شریط زمین شناسی قشرهای زیرین
 ۲. حفاری تولید استخراج و برداشت نفت خام و گاز طبیعی
 ۳. گرداندن دستگاه های تقطیر میدان نفت و دستگاه های گوگرد گیری و به طور کلی عمل آوردن نفت خام و گاز طبیعی
 ۴. تصفیه و تهیه مشتقات و محصولات دیگر با همین مواد یا به وسیله اختلاط آنها با مواد دیگر
 ۵. انبارداری، بسته بندی، حمل و نقل و تحویل نفت خام و گاز طبیعی و مشتقات و محصولات دیگر با جمیع وسایل
 ۶. به کارگیری وسایل بارگیری کشتی
 ۷. خرید و فروش نفت خام و گاز طبیعی و محصولات نفتی
- قراردادهای نفتی انواع مختلفی چون امتیازی، مشارکتی، پیمانکاری، خرید خدمت، بیع متقابل و دیگر انواع تقسیم می‌شوند:
۱. امتیازنامه‌ها



امتیاز نخستین شکل از قراردادهای نفتی است که به موجب آن دولت حقوقی برای صاحب امتیاز در نظر می گرفت و به او اعطا می کرد. این امر سبب می شد که تغییر و تبدیل شرایط امتیاز نیز عمدتاً تابع اراده دولتی باشد که امتیاز را اعطاء نموده است. اثر امتیاز آن بود که بر اساس آن بزرگترین منبع ثروت ملی و خداداد برای مدت طولانی تحت تملک و مالکیت نفتی خارجی قرار می گرفت. اعطای امتیاز در چارچوب حقوق اداری و بر اساس اندیشه مدیریت آمرانه و اقتدار گرا و حاصل تفکر مالکیت دولتی بوده است. بدین معنی که هیات حاکمه و در راس آن شاه خود را مالک بی چون و چرای همه ثروت‌های میهن دانسته و اساساً حقی برای مردم قایل نبودند تا در تصمیم گیری‌ها مصلحت آنان را لحاظ نماید. این نوع قراردادهای عملاً یک حق مشخص و عینی یا مخلوطی از آنها را به نحو انحصاری به طرف مقابل اعطا می نماید؛ به همین دلیل است که به تدریج در میان عامه مردم به کلمه "امتیاز" حساسیت نشان داده شده و مردم به این نوع توافقات با بدگمانی و سوءظن نگاه می کرده‌اند. به لحاظ حقوقی امتیاز تابع قوانین کشور امتیاز دهنده است. اگر چه در امتیاز نامه رویتراً مطلقاً ذکر از قانون حاکم بر آن به میان نیامده است و حتی مرجعی برای حل و فصل دعاوی حاصله نیز پیش بینی نشده است. در هر حال "مجلس تدقیقات امتیازات" در سال ۱۳۰۸ وظیفه نظارت بر عملیات موضوع امتیاز را داشته و یک دادگاه اداری برای رسیدگی به اختلافات حاصله از آن بوده است. [۸] در این نوع از قراردادهای رویه اینگونه بوده که از اوایل قرن بیستم تا ۱۹۵۰ حق الامتیاز مقطوعی اعطا می شد و دارنده امتیاز بر تمامی مراحل اکتشاف استخراج و بهره برداری کنترل و نظارت مستمر داشته و عملاً حکومت هیچ گونه طرح و برنامه‌ای برای ساماندهی و کنترل موضوع امتیاز نداشت. رژیم امتیازات در خاورمیانه توأم با رژیم کاپیتولاسیون بود و از اعمال قوانین ملی نظیر مقررات سالیانه صادرات و واردات معاف بود. معمولاً حوزه امتیاز به گونه‌ای وسیع بود که امکان واگذاری آن به دیگری باقی نمی ماند. بعنوان مثال امتیاز رویتراً تا هفتاد سال تمام معادن سراسر کشور را به جز (طلا و نقره) در اختیار این شرکت قرار می داد. بدین ترتیب وجه اشتراک این نوع قراردادهای امتیاز مدت زمان طولانی اعتبار امتیاز (از ۶۰ تا ۷۵ سال)، وسعت ناحیه امتیاز، ثابت بودن مبلغ حق الامتیاز، انحصاری بودن حیطه اختیارات دارنده امتیاز و معافیت دارنده امتیاز از قوانین داخلی کشور بود. پس از ۱۹۵۰ تحولاتی در قراردادهای امتیاز رخ داد که اولاً فرمول معروف پنجاه - پنجاه جایگزین حق الامتیاز شده و مساحت ناحیه مربوط به عملیات دارنده امتیاز فوق العاده محدود شد. اولین قراردادی که در ایران مشخصاً از اعطای امتیاز نفت نام برده شده، مربوط به امتیاز نامه مورخ ۱۸۶۴ است که به نام "توری" از اتباع انگلستان صادر شده است. موضوع اصلی امتیاز مزبور احداث راه آهن بود. در بخشی از این امتیاز نامه آمده بود: "دولت ایران واگذار خواهد کرد به کمپانی معادن فلزات و نفت و قیری را که در چهل میلی جنبین راه آهن واقع است... [۱۰] بعد از آن نیز چند فقره امتیاز نامه مربوط به نفت صادر شد. در سال ۱۸۸۳ میلادی، امتیازی به نام آلبرت هوتز از اتباع هلند برای معادن دالکی صادر شد و در سالهای ۱۸۷۲ و ۱۸۸۹ میلادی نیز دو فقره امتیاز نامه به نام بارون رویتراً صادر شد. اما هیچیک از امتیاز نامه های فوق به کشف و بهره برداری منجر نشد. [۱] و [۲]

۲. قراردادهای مشارکت

در ایران پس از قراردادهای امتیازی قراردادهای مشارکت منعقد گردید و موضوع قانون حاکم در آنها مسکوت مانده بود و از ۱۹۷۰ به بعد بتدریج تصریحاتی در خصوص حاکمیت قانون ایران در قراردادهای بعمل آمد. در ۱۳۵۳ قانون نفت ایران مورد تجدید نظر واقع شد. قانون نفت ۱۳۳۶ ایران عملاً رژیم حقوقی امتیاز را کنار گذارده و قراردادهای مشارکت را طرح ریزی نموده بود. مفهوم قرارداد مشارکت از این قرار است که دولت از طریق یک شرکت صد در صد دولتی قراردادی را برای مشارکت با شرکت نفتی خارجی منعقد می کند. در این نوع قراردادهای سه مسئله حائز اهمیت است:



• **سرمایه گذاری:** معمولاً در این نوع قراردادهای هزینه‌های مربوط به تفحص و اکتشاف بر عهده شرکت نفتی خارجی قرار می‌گیرد و چنانچه منجر به کشف نفت شود آنهم به گونه‌ای که شروع عملیات استخراج، تولید و بهره‌برداری به لحاظ تجاری مقرون به صرفه باشد، سرمایه‌گذاری و تامین وجوه لازم برای انجام این عملیات توسط هر دو شرکت طرف قرارداد بعمل می‌آید. البته سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز کشور ما برای نخستین مرتبه در سال ۱۳۳۶ و با تصویب قانون تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره به صورت جامع قانونمند گردید و به شرکت نفت ایران اجازه داده شد طبق اصول و شرایط مندرج در آن عمل کند.

• **اداره فنی:** در این نوع قراردادهای شیوه‌های مختلفی از حیث اداره فنی در پیش گرفته می‌شود. در پاره‌ای کشورها اداره فنی عملیات کاملاً بر عهده شریک خارجی است اما در قراردادهای مشارکت ایران اگر چه عملیات اکتشاف با ابتکار و مسئولیت شریک خارجی انجام می‌شود ولی عملیات توسعه و بهره‌برداری مطابق شرایط قرارداد و برنامه‌هایی که توسط طرفین قرارداد تنظیم می‌شود به طور مشترک صورت خواهد گرفت.

• **بازاریابی:** در این مرحله که مهم‌ترین و حساسترین مرحله اجرای قراردادهای را تشکیل می‌دهد علی‌الاصول هر شریک متعهد است که سهم خود را بر اساس قرارداد مشارکت برداشت نموده و خود بفروش برساند. معذک در عمل به دلیل اینکه طرف ایرانی بازار کافی برای فروش نفت خود را نداشت، شریک خارجی مجاز بوده سهم طرف ایرانی را نیز برداشت نموده و بفروش رساند. بدین جهت در مقدمه قراردادهای مشارکت که ایران منعقد نموده غالباً به این امر اشاره شده که شریک خارجی برای نفت خامی که بواسطه این قرارداد حاصل می‌شود بازار دارد. البته بدیهی است که شریک خارجی حاضر نخواهد بود از موقعیت ممتاز خود در بازارها برای فروش نفت طرف ایرانی بهره‌گیرد بلکه عملاً بدین کیفیت عمل می‌شود که طرف خارجی سهم طرف ایرانی را به قیمت معمول بازار برداشت و صادر کرده و خود با استفاده از موقعیت ممتازش به نرخ بالاتری به فروش می‌رساند. لذا در عمل دسترسی شریک خارجی به بازار منافع محسوسی را طرف ایرانی نمی‌سازد. براین اساس بود که در قراردادهای ششگانه ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ فرمول تازه‌ای توسط ایران گنجانده شد که براساس آن شریک خارجی سهم خود را برداشت و به قیمت اعلان شده که به توافق طرفین تعیین می‌شود به فروش خواهد رساند. طرف ایرانی نیز خود به این شیوه عمل می‌کند و چنانچه طرف ایرانی موفق به فروش کل سهام خود نشود در این صورت شریک خارجی متعهد است که آن میزان را برداشت و به بهای نیمه راه بفروش رساند که نتیجه این خواهد شد که منافع حاصله بین شریک ایرانی و خارجی تقسیم خواهد شد. بر اساس این فرمول منافع حداقلی برای شریک ایرانی تضمین می‌شود. [۳] و [۱۱]

۳. قراردادهای خدمت (پیمانکاری)

بعد از دوره قراردادهای مشارکت، در سال ۱۳۴۴ سیر تحول در روابط بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای بین‌المللی ادامه یافت و برای اولین بار نوع جدیدی از قرارداد توسط شرکت ملی نفت ایران تحت عنوان قرارداد پیمانکاری ابداع گردید که از رجحان و امتیاز بیشتری در مقایسه با قراردادهای مشارکت برخوردار بود. این نوع قرارداد بعداً الگوی قراردادهای نفتی سایر کشور، قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵ از این نوع، سه قرارداد منعقد گردید. قرارداد با شرکت نفت فرانسوی اراپ، قرارداد با شرکت امریکایی کنتیننتال و قرارداد با گروه شرکتهای اروپایی (اراپ فرانسه، آجیبپ ایتالیا، هسپانیول، پاکوبل اسپانیا، او.ام. وی اتریش و پتروفنیای بلژیک).



دومین قانون صنعت نفت در جلسه مورخ ۱۳۵۳/۵/۸ توسط مجلس شورای ملی به تصویب رسید. با وضع این قانون، قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره (مصوب ۱۳۳۶) ملغی شد. دومین قانون صنعت نفت که در چهار چوب قانون ملی شدن صنعت نفت در ۳۰ ماده به تصویب رسیده بود، رویکرد متفاوتی نسبت به قانون قبلی داشته و از اصول و مقررات متفاوتی نیز برخوردار بود. به استناد ماده یکم قانون مزبور منظور از نفت عبارت بود از: "نفت خام، گاز طبیعی، آسفالت و کلیه هیدروکربورهای مایع اعم از آنکه بحالت طبیعی یافت شود و یا بوسیله عملیات مختلف از نفت خام و گاز طبیعی جدا شود و نیز هر فرآورده مهبیای استفاده یا نیمه تمامی که از مواد مزبور بوسیله تبدیل گاز به مایع یا تصفیه یا عمل شیمیایی و یا هر گونه طریق دیگری اعم از آنچه اکنون معمول است و آنچه در آینده معمول شود، بدست آید." بند دوم ماده سوم این قانون در رابطه با تعیین نوع قرارداد های حاکم بر روابط بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای خارجی اشعار میداشت: "شرکت ملی نفت ایران میتواند بمنظور اجرای عملیات اکتشاف و توسعه نفت در بخشهای آزاد نفتی با هر شخصی اعم از ایرانی و خارجی وارد مذاکره شود و قراردادهایی را که مقتضی بداند بر مبنای پیمانکاری و با رعایت مقررات و مصرحات این قانون تنظیم و امضاء بنماید. قراردادهای مزبور بعد از تایید هیئت وزیران به موقع اجراء گذارده خواهد شد." لذا نگرش اساسی قانون نفت نسبت به رابطه حقوقی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای نفتی خارجی در زمینه اجرای پروژه ها، قرارداد پیمانکاری پاسخگوی نیاز نبوده، نمی توانست موجب جلب شرکتهای خارجی گردد. در ماده ۲۷ نیز، مجدداً تحت عنوان (نفت مناطق دریائی) موضوع مالکیت دولت ایران بر منابع نفت مطرح شده است: "نفت تولید شده از مناطق دریایی ایران در حکم نفتی خواهد بود که از داخل سرزمین ایران تولید شده باشد. مقررات قانون ایران نسبت به کلیه تاسیساتی که در مناطق دریایی مزبور ایجاد شود، جاری خواهد بود." همچنین در قانون نفت چگونگی اعمال مدیریت در صنعت نفت از سوی دولت ایران در خلال مواد مختلف مطرح شده بود. [۴] بند ۳ از ماده ۳ این قانون در خصوص نحوه اجرا و ساماندهی عملیات نفت مقرر میداشت: "شرکت ملی نفت ایران می تواند بمنظور ایجاد پالایشگاه و اجرای عملیات پالایش نفت در داخل کشور راساً یا از طریق مشارکت با هر شخص اعم از ایرانی یا خارجی اقدام نماید. مشارکتهایی که به این منظور انجام میشود مشروط به رعایت شرایط زیر خواهد بود:

الف - سهم شرکت ملی نفت ایران هیچگاه نباید از پنجاه در صد کمتر باشد.

ب - مدت مشارکت در هر قرارداد به تشخیص و نظر شرکت ملی نفت ایران معین خواهد شد ولی در هر حال این مدت از ۲۰ سال تجاوز نخواهد کرد.

بنابراین اجازه مشارکت یا به عبارتی سرمایه گذاری مشترک برای احداث پالایشگاه و انجام عملیات پالایش نفت، به شرکت ملی نفت ایران منوط به مشارکت حداقل به صورت پنجاه - پنجاه بین طرفین بود. ازاینرو، طرف خارجی هیچگاه نمی توانست اکثریت سهم را در اختیار داشته باشد و در نتیجه دیگر مدیریت مطلق بیگانه بر صنعت نفت ایران قابل تصور نبود. افزون بر این طبق ماده ۲ قانون نفت، شرکت ملی نفت ایران مسئول حسن اجرای این قانون بود. نظارت بر انجام تعهدات و تکالیف توسط پیمانکار که فوقاً به آن اشاره شد نیز از تکالیف اساسی شرکت ملی نفت ایران محسوب می شد.

۳- انواع قراردادهای خرید خدمت

الف) قرارداد خرید خدمت با مخاطره

قراردادهای خرید خدمت همراه با مخاطره از متداولترین نوع قرارداد خدمت در سطح جهان می باشد. در این قرارداد پیمانکار کلیه هزینه های اکتشافی و توسعه منابع هیدروکربوری را پذیرا می شود. در برابر اگر فعالیتهای



اکتشافی موفقیت آمیز بود کشور میزبان کلیه هزینه های سرمایه‌ای پیمانکار را بازپرداخت نموده و بخشی از درآمدهای آتی پروژه را نیز بعنوان دستمزد^۲ به پیمانکار واگذار می نماید. این گزینه قراردادها تشابه بسیاری به قراردادها نوع مشارکت در تولید دارند. زیرا در این گونه قراردادها بخشی از درآمدها و یا سود آتی پروژه در مقایسه با بخشی از سهم تولیدات در قراردادهای مشارکت در تولید به پیمانکاران واگذار می شود.

ب) قرارداد خرید خدمت بدون مخاطره

قراردادهای خرید خدمت بدون مخاطره در این نوع قرارداد پیمانکار برای انجام نوع خدمات دستمزدی دریافت می کند و لذا عامل مخاطره سرمایه گذاری کمینه می‌باشد. در اواخر سال ۱۹۵۰ میلادی دولت آرتورو فروند نیری در کشور آرژانتین مجموعه قراردادهای خدمت از این نوع را بنام قراردادهای فروند نیری با شرکت‌های نفتی شل، ماراتون، آسو، کرمک گی و آموکو امضاء کرد. اهداف اجرایی عمده این قراردادها حفاری - اکتشاف و تولید از میادین کم حجم نفتی بود. در مقطع زمانی کنونی قراردادهای بیع متقابل کشور ایران از مهمترین و متنوع ترین این گزینه قراردادی در سطح جهان است.

۴- جایگاه حقوقی قراردادهای بیع متقابل

قراردادهای بیع متقابل از لحاظ حقوقی در گروه قراردادهای تجارت متقابل قرار می گیرد. لذا برای شناخت ماهیت حقوقی آنها لازم است قراردادهای تجارت متقابل نیز مورد توجه قرار گیرند. تعاریف مختلفی از قراردادهای تجارت متقابل ارائه شده است. در گزارشی تحقیقی که کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد^۳ در مورد قراردادهای بین المللی تجارت متقابل تهیه کرده است، قراردادهای مزبور را اینچنین تعریف کرده است: "معاملات تجارت متقابل عبارتند از ترتیبات قراردادی بین المللی که به موجب آن، یک طرف کالا یا سایر اقلام دارای ارزش اقتصادی، از قبیل خدمات یا تکنولوژی را تامین می کند و در عوض، از طرف مقابل میزان مورد توافقی از کالا یا سایر اقلام دارای ارزش اقتصادی را خریداری کرده یا ترتیب خرید آنها توسط شرکتی تعیین شده توسط وی را فراهم می سازد". قراردادهای تجارت متقابل بر چند گونه اند که قرارداد خرید متقابل، تهاتر، پایاپای و بیع متقابل مهمترین آنها به شمار می روند. با توجه به اینکه رایج ترین نوع قراردادی از این نوع در ایران بیع متقابل است، صرفاً به بررسی قراردادهای بیع متقابل متمرکز می شویم.

قراردادهای بیع متقابل عبارتند از: "معاملاتی که در آن یک طرف تامین کننده امکانات تولید شامل لوازم تولید، تکنولوژی یا خدمات از قبیل آموزش کارکنان است و طرفین توافق می کنند که تامین کننده امکانات مزبور یک شخص دیگر تعیین شده توسط وی، محصول نهائی امکانات مزبور را خریداری کند." ساختار قرار ددهای بیع متقابل در ایران:

الف) مدل توسعه‌ای قراردادهای بیع متقابل

توسعه ای که با توجه به الزامات و محدودیت‌هایی که در مبحث قبل اشاره شده طی چند سال اخیر در بخش نفت و گاز ایران متداول گردیده و مبنای تنظیم چندین قرار داد قرار گرفته است از ویژگیهای خاصی برخوردار است. مهمترین ویژگیهای چهار چوب آنها را میتوان به شرح زیر خلاصه و ارائه نمود:

۱. مالکیت و حاکمیت کشور بر منابع نفت و گاز محفوظ و پیمانکار هیچگونه حقوقی نسبت به مالکیت بر مخازن و تولید ندارد و بهمین لحاظ نمیتواند قراردادهای بیع متقابل را بعنوان افزایش ذخیره و تولید آن میدان ثبت و عرضه نماید.

² Fee

³ UNCITRAL



۲. پیمانکار مسئولیت تأمین کل سرمایه اجرایی طرحهای توسعه ای را عهده دار می‌باشد.
۳. باز پرداخت هزینه های سرمایه ای و غیر سرمایه ای به انضمام هزینه های مربوط از محل در آمد حاصل از فروش نفت و یا گاز همان پروژه صورت میگیرد.
۴. مسئولیت اجرای کامل پروژه تا مرحله تولید و تأمین کلیه ماشین آلات و تجهیزات فنی تکنولوژی و کارشناسان مورد نیاز اجرایی پروژه بعهد پیمانکار است.
۵. پیمانکار ریسک مخزن و تولید از میدان را عهده دار بوده و در صورت عدم تحقق تولید پیش بینی شده ضمن توجیه جریمه پیش بینی شده نسبت به حق الزحمه کلیه ریسک عدم باز پرداخت سرمایه گذاری را عهده دار خواهد بود.

ب) مدل اکتشافی قراردادهای بیع متقابل

بیشتر مبنای قرار های توسعه میداین نفت و گاز قرار گرفته است با تغییراتی در روش اجرایی جهت پروژه های اکتشافی نیز مورد استفاده قرار گرفته و می شود. از آنجا که باز پرداخت سرمایه گذاری طرحها صرفاً از محل همان پروژه میسر است و همچنین پیش بینی برنامه توسعه میداین اکتشاف نشده نیز غیر ممکن است لذا قراردادهای بیع متقابل اکتشافی در دو مرحله منعقد و اجرا می گردند.

۱. **مرحله اکتشاف:** در این مرحله با شرح کار مشخص شامل عملیات ارگانها و حفاری اکتشافی و میزان سرمایه گذاران تعیین شده و مراحل اکتشافی انجام می گردد که در صورت عدم دستیابی به منابع اقتصادی نفت و گاز ریسک مربوط بعهد پیمانکار است و در صورت موفقیت باز پرداخت هزینه های اکتشافی با انعام حق الزحمه، سود و هزینه های مالی سرمایه گذاری از محل تولید پس از اجرای توسعه میدان بازپرداخت می گردد.
۲. **مرحله توسعه:** قراردادهای بیع متقابل پس از انجام موفقیت مرحله اکتشاف و مشخص شدن ابعاد و شرح از توسعه میدان مجدداً و پس از انجام مراحل مناقصه منعقد میگردد. لازم به توضیح است پیمانکار مرحله اکتشافی دارای اولویت بوده در صورت برنده شدن حداقل ۳۰٪ با شرایط پیمانکار برنده در مرحله توسعه مشارکت خواهد داشت. در قرار دادهای بیع متقابل اکتشافی پیمانکار مسئول اجرای عملیات اکتشافی بر اساس شرح تعریف شده در قرار داد بوده که در صورت عدم کشف اقتصادی منبع هیدرو کربنی، مورد قرار داد خاتمه یافته و در شرایط دستیابی به مخزن اقتصادی در صورت برنده شدن در مناقصه مرحله توسعه بعنوان پیمانکار برنده در اینصورت حداقل میتواند تا ۳۰ درصد مرحله توسعه با پیمانکار برنده مشارکت داشته باشد.

۵- حقوق و تکالیف طرفین در قراردادهای نفتی بیع متقابل ایران

تعیین قانون حاکم، موارد قوه قاهره، تعدیل قرارداد و حل و فصل اختلاف از موارد بسیار مهم در تحلیل قراردادهای بیع متقابل است که بدون شک در حقوق و تکالیف طرفین تاثیر گذار میباشد. صرفنظر از این موارد، در قراردادهای بیع متقابل که دوره قراردادی آن محدود است حاکمیت و مالکیت بر منابع هیدروکربوری و کنترل عملیات تولیدی در انحصار شرکت ملی نفت ایران بوده و از نظر حقوقی دارای ویژگیهای زیر است:

۱. حاکمیت و مالکیت کامل کشور میزبان بر منابع هیدروکربوی و نفتی با مشارکت و سرمایه گذاری خارجی
۲. عدم ارایه تضمین بانکی یا دولتی
۳. امکان فسخ دو جانبه قرارداد تحت شرایط خاص و در صورت عدم ایفاء تعهدات قراردادی پیمانکار و کارفرما
۴. انجام کلیه عملیات مرتبط با اجرای قرارداد توسط پیمانکار بنام و یا از طرف شرکت ملی نفت ایران



۵. محدود بودن حق واگذاری قرارداد به غیر و یا الحاق شرکای جدید قرارداد فقط در صورت تصویب شرکت ملی نفت ایران

۶- رویکرد نوین در صنعت نفت ایران

طرح بازآرایی صنعت نفت با اصلاح ساختار سازمانی و ایجاد تحول در بخش بالادستی صنعت نفت جهت اجرای طرح‌های بسیار بزرگ و اعمال فزونتر حاکمیت هر چه بیشتر بر منابع نفتی و کنترل و ساماندهی بهتر و اصولی‌تر از جمله اهداف برنامه‌های بلندمدت صنعت نفت کشور است. از نیمه دوم برنامه پنج‌ساله دوم، زمینه‌های لازم برای مطالعه، تجدید طراحی و بازآرایی ساختار سازمانی فراهم شد و در نهایت، طرح تحول ساختار و بازآرایی سازمانی صنعت نفت ایران به پایان رسید. با وجود گذشت بیش از پنج سال‌ها از ابلاغ حکم وزرای اسبق نفت به ستاد عالی اصلاح ساختار که در برگیرنده لزوم شفاف‌سازی و تفکیک وظایف مربوط به اعمال حاکمیت از انجام امور مربوط به تصدی و تناسب وظایف و مسئولیتها با اختیارات و توجه به خصوصی‌سازی در موارد امکان‌پذیر و جداسازی، خودگردانی و استقلال تدریجی عملیات لازم و امکان‌پذیر غیرصنعتی، فرآوری و توزیع فرآورده‌ها و خدمات مهندسی و عمومی نظیر فعالیتهای امانی و شبه‌امانی و بود هنوز هم بحث عدم وجود شفافیت و اطلاع رسانی در عرصه‌های گوناگون صنعت نفت به ویژه قراردادهای نفتی و نیز نحوه برگزاری مناقصات که بعضاً شایبه عدم انطباق با آیین نامه معاملات دولتی را به همراه دارد موجب تردید در نیل به اهداف اصلاح ساختار صنعت نفت شده است. با وجود تصویب سیاستهای کلی نظام در بخش صنعت نفت از سوی مقام معظم رهبری با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام در اسفندماه ۱۳۷۹، که متضمن لزوم اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای گسترش اکتشاف نفت و گاز و شناخت کامل منابع کشور و ضرورت افزایش ظرفیت تولید صیانت شده نفت، متناسب با ذخایر موجود و برخورداری کشور از افزایش قدرت اقتصادی، امنیتی و سیاسی و اهمیت گسترش تحقیقات بنیادی و توسعه‌های و تربیت نیروی انسانی و تلاش برای ایجاد مرکز جذب و صدور دانش و خدمات فنی مهندسی انرژی، در سطح بین‌المللی و ارتقای فنآوری در زمینه‌های منابع و صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و لزوم جایگزینی صادرات فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی به جای صدور نفت خام و گاز طبیعی می باشد، وجود ابهامات و پرسشهای زیر شایبه عدم نیل به اهداف توسعه صنعت نفت در سند چشم انداز را قوت می بخشد. [۶] و [۹]

۱- تا کنون کدامیک از فرآورده های نفت و گاز و پتروشیمی به جای نفت خام و گاز طبیعی و به چه میزان صادر شده است؟

۲- منابع مالی مورد نیاز داخلی و خارجی در امر نفت و گاز چگونه سازماندهی شده است؟

۳- چه راهکارهایی برای بهینه سازی و کاهش مصرف انرژی پیش بینی شده است؟

۴- چه تدابییری جهت شناخت کامل منابع کشور تا کنون اتخاذ شده است؟

۵- راهکارهای پیش بینی شده برای گسترش اکتشاف نفت و گاز چه بوده اند؟

۶- آیا از موقعیت منطقه ای و جغرافیایی کشور برای خرید و فروش و فرآوری و پالایش و معاوضه و انتقال نفت و گاز منطقه ای به بازارهای داخلی و جهانی بهره بر داری معقول شده است؟

طبق بند "ب" ماده ۳ قانون تشویق و حمایت تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ سرمایه‌گذاری خارجی در کلیه بخشها، در چارچوب روشهای "مشارکت مدنی"، "بیع متقابل" و "ساخت، بهره‌برداری و واگذاری"^۴ که برگشت سرمایه و منافع حاصله صرفاً از عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه‌گذاری ناشی می‌شود و متکی به تضمین دولت یا بانکها و یا شرکتهای دولتی نباشد و نیز طبق بند "الف" سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم در زمینه‌هایی که

^۴ B.O.T



فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز باشد، پذیرفته شده است بر اساس مواد ۲۲ و ۲۵ قانون برنامه چهارم نیز سیاست بنگاهداری و خصوصی سازی در عرصه صنعت نفت در اموری چون اکتشاف، استخراج مخازن و... تا میزان ده درصد پذیرفته شده که در پیشبرد اهداف دراز مدت صنعت نفت ایران بسیار موثر است. اجرای طرح اصلاح ساختار و واگذاری برخی از شرکت‌های صنعت نفت به بخش‌های غیردولتی دارای نتایج کیفی و کمی از جمله کاهش تعداد سمت‌های سازمانی و ارتقاء کیفی سمت‌های سازمانی از طریق جذب نیروهای متخصص صحنه اصلاحات ساختاری و غنی‌سازی مشاغل بوده است. به استناد ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹، وزارت نفت مجاز است با ایجاد فضا و شرایط رقابتی، نسبت به صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید موردنیاز برای بهره‌برداری از حداکثر ظرفیتهای برای توسعه میدانهای نفت و گاز و افزایش تولید صیانت‌شده با حفظ ظرفیت تولید سال ۱۳۸۹ تا سقف تولید اضافه روزانه یک‌میلیون بشکه نفت خام و دویست و پنجاه میلیون مترمکعب گاز طبیعی با اولویت میادین مشترک، با تأکید بر توسعه میدان گاز پارس جنوبی، پس از تصویب توجیه فنی و اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد و درج در قوانین بودجه سنواتی و نیز مبادله موافقتنامه با معاونت با استفاده از روشهای اکتشاف، توسعه، تولید در دوره زمانی معین در میادین نفت و گاز و با کارسازی انتشار اوراق مالی ریالی و ارزی در داخل و خارج از کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط، بدون تضمین دولت و همچنین استفاده از روش بیع متقابل با رعایت اصول و شرایط موضوع بند (ب) ماده (۱۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقدام و تلاش لازم را بر مبنای سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاستهای کلی نظام به‌عمل آورد. همچنین مستند به ماده ۱۲۷ به وزارت نفت اجازه داده می‌شود در چهارچوب بودجه سنواتی از محل منابع داخلی شرکت‌های تابعه و منابع خارجی ترجیحاً با مشارکت بخشهای خصوصی و تعاونی پس از تأیید شورای اقتصاد نسبت به تکمیل دو پالایشگاه میعانات گازی " ستاره خلیج فارس " و " پارس " با ظرفیت اسمی به ترتیب ۳۶۰ هزار و ۱۲۰ هزار بشکه به‌صورت سرمایه‌گذاری و یا تسهیلات در قالب وجوه اداره شده اقدام نماید که نهایتاً نفت خام و میعانات گازی از شمول این حکم مستثنی شده است. [۶] و [۷]

۷- جمع بندی

اعمال هرچه بیشتر حق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز و به‌کارگیری نیروهای متخصص لازم و اتخاذ ضوابط تولید صیانتی، و توجه به معیارهای سلامتی - ایمنی و زیست محیطی و راه اندازی سامانه یکپارچه کنترل و اندازه‌گیری میزان تولید، فرآورش، انتقال، پالایش، توزیع و صادرات نفت خام و گاز طبیعی و فرآورده‌های و همچنین برنامه‌ریزی جامع صیانتی در خصوص برداشت از مخازن هیدروکربوری با رعایت اولویت‌بندی مخازن به تفکیک نواحی خشکی و مناطق دریایی بخشی از چشم اندازهای صنعت نفت در مدت زمان اجرای برنامه پنجم توسعه است. بازآرایی صنعت نفت کشور در آینده، بدون توجه به آزادسازی تجاری و توسعه بخش خصوصی (خصوصی سازی) و توسعه بازارهای مالی از طریق آزادسازی مالی در سطح جهانی، گسترش سرمایه‌گذارهای خارجی و همکاریهای اقتصادی - فنی در قالب قراردادهای مختلف رایج در سطح بین‌المللی میسر نیست. در چنین شرایطی و با در نظر گرفتن محدودیتها و افقهای پیش روی صنایع نفت و گاز کشور، مهمترین اقدامات به منظور انجام تغییرات ساختاری، رقابتی کردن بنگاهها و سازمانهای تابعه وزارت نفت و فراهم آوردن شرایط لازم برای تأمین مالی پروژه های نفت و گاز با استفاده از سرمایه و تکنولوژی بخش خصوصی اعم از داخلی یا خارجی می باشد. می توان گفت حرکت در جهت جهانی شدن صنعت نفت و گاز ایران، در واقع باید برنامه‌ای باشد برای استفاده از شرایط موجود منطقه خاور میانه، آسیای مرکزی، اروپا و سایر کشورهایی که مصرف کنندگان اصلی نفت هستند.

۸- نتیجه گیری



پیری و سالخورده‌گی اساسنامه صنعت نفت و عدم تصویب قوانین جامع و پیشرو و برخوردار نبودن واحدهای تابعه صنعت نفت از نظام‌های قانونمند مستقل مالی و مدیریتی و تمرکز شدید در این صنعت و عدم شفافیت در اطلاع رسانی در خصوص چگونگی انعقاد قراردادهای نفت، گاز، پتروشیمی یکی از مهمترین چالشهای فراروی صنعت نفت ایران است. فقدان قوانینی که شفافیت هزینه‌ها و اطلاع رسانی در این خصوص را به طور صریح الزامی کند و نیز نبود نظام قانونمند در ارائه خدمات و نیز محاسبه سود و زیان منجر به کاهش تولید نفت و گاز در برخی حوزه‌ها و افزایش ضایعات این فرآورده‌ها به دلیل عدم بهره‌گیری از فن‌آوریهای پیشرفته و محدودیتهای قانونی موجود نیز مزید بر علت است. دیوان سالاری موجود و تاثیر گذاری جریان‌های موازی و چند صدایی در تصمیم‌گیریهای کلان و فقدان نظام قانونمند نظارت بر عملکرد صحیح صنعت نفت کشور و کمبود زمینه‌های مناسب برای اعمال عدم تمرکز در تصمیم‌گیریها و اقتصادی نمودن فعالیتها از مشکلات دیگر صنعت نفت کشور است که باید مرتفع گردد. نیل به این اهداف مستلزم نگرش یکپارچه برای انجام اصلاحات ساختار سازمانی در صنعت نفت و همگام شدن با تحولات جهانی در زمینه‌های مختلف از جمله بکارگیری روش‌ها و فن‌آوریهای پیشرفته در عرصه‌های گوناگون نفتی اعم از قوانین و مقررات، مدیریت، اقتصاد و امثال آن است.

منابع:

۱. اهری. دکتر حسین - قراردادهای نفتی قیمت و درآمد نفت تهران ۱۳۴۹
۲. افراسیابی، بهرام - مصدق و تاریخ - انتشارات نیلوفر - چاپ اول - تهران ۱۳۶۰
۳. بینا - دکتر علی اکبر - تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران - ج(ی) - تهران - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۵۳
۴. چالش‌های توسعه در صنعت نفت ایران - نشر کویر - تهران - ۱۳۷۹
۵. خلیل‌الله مقدم - احمد - تاریخ جامع ملی شدن نفت - تهران - نشر علم - ۱۳۷۷
۶. دریاباری - سیدمحمدزمان و یکی - دکتر مرتضی - سیر یکصد ساله صنعت نفت ایران (تحولات حقوقی و اقتصادی) - نشر یزدا - ۱۳۸۷
۷. ذوقی - دکتر ایرج - مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران - نشر پازنگ - چاپ چهارم - پاییز ۱۳۷۶
۸. رزاقی - ابراهیم - قراردادهای نفتی یا اسناد خیانت - نشر روزبهان - چاپ اول ۱۳۵۸
۹. طرح تحول ساختار و بازآرایی صنعت نفت ایران - وزارت نفت - چکیده مطالعات - مرداد ماه ۱۳۸۰.
۱۰. فاتح - مصطفی - پنجاه سال نفت ایران - انتشارات چهر - تهران - ۱۳۳۵.
۱۱. فرشادگهر، ناصر، سیری در قراردادهای نفتی ایران - انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی - چاپ اول ۱۳۸۱.
۱۲. کسروی، سید احمد، تاریخ مشروطه ایران - چاپ هیجدم - نشر امیرکبیر - ۱۳۷۶

علی زارعی

کارشناس ارشد حقوق محیط زیست

مدیر امور حقوقی و قراردادها

شرکت مهندسی و خدمات حفاری سروک کیش

تلفن همراه: ۰۹۱۲۳۴۰۴۳۶۰

تلفن مستقیم: ۸۱۰۱۳۵۷۲

محل کار: داخلی ۵۵۷۲ - ۸۱۰۱۳۰۰۰



نمابر : ۲۶۲۰۷۶۱۶

نشانی : تهران، خیابان ولی عصر، روبروی بزرگراه نیایش، خیابان اسفندیار، پلاک ۳۹، طبقه دوم ، اطاق ۳۰۱

E-mail:

ZAREI@SARVAKK.COM

Zarei.ali@Gmail.com

www.Reservoir.ir